



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۲۰	تاریخ	۱۳ / ۰۸ / ۱۴۰۳
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»				
عنوان ۳	مطلب اول: اسامی سوره حمد و تفسیر آنها ❖ ۳. اُمّ الكتاب • وجوه تسمیه سوره حمد به «اُمّ الكتاب» ➤ وجه اول: جامع معانی قرآن ➤ وجه دوم: تقدم بر سایر سور ➤ وجه سوم: مرکزیت برای سایر سور ❖ ۴. السبع ❖ ۵. المثاني				

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

درآمد بحث

بحث ما در رابطه با اسامی سوره حمد بود. اسامی سوره حمد آن چنان که بیان می کنیم، یازده اسم است که پنج تا از آنها اسامی مشهوره این سوره است و مابقی، اسامی غیرمشهوره. در جلسه پیش به دو تا از اسامی مشهوره پرداختیم که یکی «فاتحه» و دیگری «الحمد» بود.

مطلب اول: اسامی سوره حمد و تفسیر آنها (ادامه بحث)

۳. اُمّ الكتاب

به عنوان اسم سوم این کتاب، به «اُمّ الكتاب (اُمّ القرآن)» اشاره کردیم.

وجوه تسمیه سوره حمد به «اُمّ الكتاب»

در وجه تسمیه این سوره بدین نام، سه وجه بیان شده است:

وجه اول: جامع معانی قرآن

وجه نخست که به نظر ما اقوی الوجوه شمرده می شود، این است که سوره فاتحه به این دلیل «اُمّ الكتاب» نامیده شده که ریشه همه معانی قرآنی در آن، وجود دارد و «اُم» به معنای ریشه است و اُمّ الكتاب یعنی ریشه همه معانی کتاب. که در این سوره به طور فشرده وجود دارد و هیچ معنایی از معانی قرآن نیست مگر اینکه به شکلی در این سوره به طور کلی و فشرده

مطرح شده باشد. و «أُمُّ» فی لغة العرب هی الأصل و أم الشیء یعنی أصل الشیء، و أودعها الله جوامع معانی آیات القرآن الکریم علی نحو الاختصار؛ ذکر خدا، توحید، معاد، نبوت، امامت و حتی فروع دین به شکلی در این سوره، جمع آمده است. مثلاً: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» همه اش توحید است که همه صفات الهی در این صفات، جمع است. إن شاء الله اگر وارد تفسیر شدیم، خواهیم گفت که «رَبِّ» یکی از صفاتی است که جامع الصفات خدای متعال است و «رحمن و رحیم» نیز از صفات جامعۀ خدای متعال محسوب می شود و «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» متضمن توحید و صفات ذاتی و صفات افعال است؛ یعنی مجموعۀ مفاهیم معانی توحید که در قرآن آمده، در همین دو - سه آیه، گرد آمده. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» معانی معاد را در خود جمع کرد و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هم شامل تشریع و هم شامل تکوین است؛ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» اشاره به تشریعات الهی است و «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اشاره به عالم تکوین الهی است. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» به امامت، اشاره دارد و «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هم امامت است و هم فروع دین که صراط مستقیم است. خواهیم گفت که «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» به مقام امامت و ائمه معصومین علیهم السلام اشاره دارد که منعّم علیهم هستند و ضمناً در این آیه هم به «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» اشاره شده و فرموده است:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ...»^۱

ولی ابرز مصادیقش ائمه اطهار علیهم السلام؛ یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت اوست که شامل صدیقۀ طاهره علیها السلام هم می شود. خلاصه، اگر گفته می شود «أُمُّ الْكِتَابِ» است، یعنی همه معانی آیات کتاب به شکلی در این سوره، گرد آمده؛ لذا سوره بسیار مهمی محسوب می شود.

وجه دوم: تقدم بر سایر سور

وجه دوم تسمیۀ أُمُّ الْكِتَابِ این است که چون آغاز سور قرآن کریم است، به او «أُمُّ» گفته می شود. گاهی «أُمُّ» به چیزی اطلاق می گردد که سرآغاز یک مجموعه است و سایر مجموعه، دنباله رو آنند و در پی آن می آیند. این سوره هم أُمُّ الْكِتَابِ است؛ چون مقدم بر همه سور قرآن، بیان شده و آغاز قرآن کریم است؛ «والعرب تسمی کل جامع أمر أو متقدّم علیه إذا كانت له توابع تتبعه أماً»^۲؛ وقتی چیزی باشد که در یک مجموعه، جای داده شود که سایر اعضا و اجزایش به دنبال آن می آیند، آن را «أُمُّ» اینها می نامند؛ چون مقدم بر آنهاست و بقیۀ اشیاء، در پی او می آیند.

وجه سوم: مرکزیت برای سایر سور

وجه سوم تسمیۀ این سوره به «أُمُّ الْكِتَابِ»، نسبت به سایر سور قرآن، آن است که در خصوص نماز، مثل مرکز، شمرده می شود؛ چون می توان در نماز، سور دیگر را پشت سر این سوره آورد؛ اما حمد را نمی توان با چیز دیگری جایگزین کرد؛ یعنی حمد باید باشد؛ اما بعد از آن، جایز است که هریک از سور دیگر را قرائت کرد؛ لذا مانند مرکز می شود؛ یعنی همه سور قرآن در نماز، به گرد این سوره می گردند؛ چون سایر سور قرآن باید با فاتحة الكتاب خوانده شوند و بدون آن، قرائت نمی گردند. هر سوره از سور قرآنی را در نماز می توان با این سوره به نحو تبادل خواند؛ یعنی در یک نماز، یک سوره را و در

۱. سوره نساء: ۶۹.

۲. مجمع البیان؛ ج ۱، ص ۸۷.

نماز دیگر، سوره دیگر را با آن قرائت کرد و همه سور قرآنی را می توان با حمد خواند؛ ولی سوره دیگری نمی تواند به جای حمد، قرار گیرد.

۴. السبع

نام چهارم از نام های سوره حمد «السبع» به معنای سوره هفت آیه ای است. علت نام گذاری آن نیز این است که این سوره هفت آیه دارد. خلاقی وجود ندارد که سوره حمد، هفت آیه دارد و در قرآن کریم هم با اشاره به این مطلب، فرموده است:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۱

و قطعاً با توجه به روایات متعدده، مراد از «سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي» همین سوره حمد است.

اما اختلاف در این است که این هفت آیه، کدامند؟ در این زمینه هم دو وجه گفته شده است:

❖ ۱. «بسمله» یکی از این آیات است؛ یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به تنهایی، یک آیه (آیه اول) است؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آیه دوم؛ «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه سوم؛ «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» آیه چهارم؛ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» آیه پنجم؛ «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» آیه ششم و بقیه سوره هم آیه هفتم، محسوب می شود؛ یعنی: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ». این وجه به نظر ما وجه اقوی است.

❖ ۲. «بسمله» یک آیه محسوب نمی شود؛ بلکه آیه نخست همان آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» است و «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» یک آیه است و «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» آیه پایانی این سوره است.

پرسشگر: ...

معظم له: گفته اند ولی اقوی، همان اول است و اکثر علمای شیعه، همان وجه اول را پذیرفته اند.

پرسشگر: ...

معظم له: گفته اند دو آیه است.

پرسشگر: ...

معظم له: إن شاء الله وقتی به این بحث برسیم، می گوییم که اصلاً معنای «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» اقتضا می کند که از «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» جدا نباشد؛ یعنی «الذین» دو وصف دارد و این هر دو، وصف آن هستند؛ یکی «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و یکی اینکه این «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» هستند و این هم نکته دارد که چرا از خدا می خواهیم ما را به صراط کسانی هدایت کند که این دو وصف را دارند؛ یکی «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هستند و یکی «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»؟ اجمالش این است که چون در تاریخ، کسانی را داریم که مصداق «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» بودند؛ اما «مَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» شدند؛ یا «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» بودند؛ ولی «ضالین» شدند. می گوییم ما را به صراط آنعمت علیهم هایی که چنینند و چنان نیستند، هدایت کن. این نکته مهمی است. قرآن کریم بارها تکرار می کند:

۱. البته به جز سوره غزائم.

۲. سوره حجر: ۸۷.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۱؛

ولی مغضوب علیهم شدند و:

﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبُؤْسٌ عَلَى الْبُغْضِ مِنَ اللَّهِ﴾^۲.

نصاری هم ضالین شدند؛ چون خدای متعال می فرماید:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ...﴾^۳؛

آنان در مسیح، دچار غلو و گمراه شدند. آنان هم در ابتدای امر، انعمت علیهم بودند و خدا بر آنان نعمت فرستاد و چه نعمتی بزرگ تر از وجود خود حضرت مسیح علیه السلام؟ اما یک انعمت علیهم، ضالین شدند. پس ما سه گونه انعمت علیهم داریم:

- ۱. انعمت علیهمی که غیر المغضوب علیهم ولا الضالین هستند و شامل ائمه هدی علیهم السلام و مجموعه پاک اهل بیت مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله می شوند. آنان انعمت علیهمی اند که غیر المغضوب علیهم ولا الضالین هم هستند.
- ۲. انعمت علیهمی که مغضوب علیهم شده اند؛
- ۳. انعمت علیهمی که ضالین شدند.

لذا در این آیه می خواهد مشخص کند که تنها مرادش گروه اول است؛ لذا ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ تتمه ﴿أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ﴾ است؛ لذا آنسب، این است که ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ یک آیه باشد و دو آیه بودنش چندان مناسب نیست. هم چنین آنسب این است که آیه بسمله، جزء سوره است؛ لذا زیاد تأکید زیادی در روایات ما وجود دارد که بسمله هم جزء سوره است و خواهیم گفت که مشرکان قریش با بسمله، بسیار در تضاد بودند و از آن کراهت داشتند. متأسفانه تفکر جاهلی، بعدها در جامعه اسلامی، نفوذ کرد و به شکلی به جامعه اسلامی بازگشت؛ مردم نیز به جاهلیت سابق خود مراجعه کردند و بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بالأخص در دوران حکومت بنی امیه، عادات جاهلی فراوانی دوباره احیاء شد. بنی امیه و جاهلین عرب، با بسمله، مخالفت بسیاری داشتند و بدآیندشان بود؛ لذا در روایات هم می خوانیم که سعی کردند بگویند اصلاً جزء سوره حمد یا سور دیگر قرآن کریم نیست و آن را حذف کنند.

پرسشگر: ...

معظم له: درست است؛ ولی به این معنا که بگوییم ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ یک آیه حساب شوند.

پرسشگر: ...

معظم له: به هر حال، اگر جزء سوره باشد، آیه هست یا نه؟

۱. سوره بقره: ۴۷ و ۱۲۲.

۲. همان: ۶۱.

۳. سوره نساء: ۱۷۱.

پرسشگر: ...

معظم له: اگر آیه است ... مگر اینکه بگویید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» یک آیه حساب شوند. پرسشگر: در روایات هم آمده است؟

معظم له: بله، روایاتی را می خوانیم ولی الآن در مقام بحث از آن نیستیم که بسمله جزء سوره است یا نه؟ می خواستیم بگوییم که این دو نظر وجود دارد؛ ولی در اصل اینکه سوره حمد، هفت آیه دارد، بحث، تشکیک و خلافتی نیست؛ اما این هفت آیه، کدامند؟ گفتیم دو نظر وجود دارد که نظر اول، از دیدگاه ما آنسب است.

۵. المثنائی

نام پنجم از اسامی سورة الحمد، «المثنائی» است؛ چون در همان آیه کریمه فرموده است:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾

روایاتش را هم قبلاً خواندیم که می گفت یزاد بالمثنائی، سورة الحمد.

اما وجه تسمیه این سوره به «مثنائی»، این است که مثنائی به معنای «دوتا دوتا» به کار می رود و به چیزی که اثنین اثنین یا مثنی مثنی است، مثنائی گفته می شود. در واقع، «مثنائی» جمع «مثنی» به معنای چیز دوتایی است. در آیه کریمه هم می خوانیم که:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنً وَفُرَادً﴾؛

یا تکی به پاخیزید و قیام لله کنید یا دوتا دوتا، که مراد از این مثنی هم نکته ای است که کمتر متعرض شده اند. چرا در آیه می فرماید: ﴿أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنً﴾؟ مراد از مثنی، امام و مأموم است و تعبیر از این، جمع است؛ یعنی یا جماعه قیام کنید یا فرادی، منتها اقل الجماعه در مفهوم قرآنی، امام و مأموم است؛ لذا مثنی گفته می شود. پس مثنی به معنای دوتایی است و زمانی که می خواهند آن را جمع بزنند، به صورت «مثنائی» جمع بسته می شود.

اما در علت تسمیه سورة حمد به مثنائی، وجوهی گفته شده است:

وجه اول: چون دو بار باید در نماز خوانده می شود؛ هم در رکعت اول و هم در رکعت دوم. این مقدار واجب است؛ وگرنه بیش از آن هم می شود خواند اما مقدار واجب، این است که در رکعت های اول و دوم، حمد خوانده شود؛ اقل ما یقرأ من الحمد فی الصلاة، مرتین است. پس به این لحاظ، «مثنی» گفته می شود که آیاتش دو بار خوانده می شود و در این صورت، «مثنائی» می شود. بدین ترتیب، هر آیه «مثنی» می شود و جمع آنها «مثنائی» است. این مضمون در روایت هم آمده و عیاشی در تفسیر خود، از نقل می کند: عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ رَفَعَهُ، قال:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ قَالَ: هِيَ سُورَةُ الْحَمْدِ، وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ، مِنْهَا: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾»

در این روایت، تصریح شده است که از آن سبع آیاتی، یکی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است.

«وَإِنَّمَا سُمِّيَتِ الْمَثَانِي لِأَنَّهَا تُتَنَّى فِي الرَّكَعَتَيْنِ»^۱

در رکعتین، دو بار خوانده می شود؛ یک بار در رکعت اولی و یک بار در رکعت ثانی.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين